

Understanding Substantive and Procedural Developments in Combating Terrorist Crimes in International Criminal Law

Peyman Namamian

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran
Email: p_namamian1512@yahoo.com

Abstract

Two decades have passed since the terrorist events of September 11, 2001, yet terrorist crimes still lack a universally agreed-upon definition. The necessity of reaching a consensus to provide a comprehensive definition and address the complexities of this phenomenon within the international community remains mandatory and undeniable. Thus, the most significant deficiency and gap in the international criminal law system is the absence of a comprehensive convention on terrorism that categorizes terrorist crimes as criminal acts in general. Nevertheless, the prevalence of this grave phenomenon has led to extensive legal developments, resulting in the approval of regulatory measures at both national and international levels. Governments, confronted with such threats, have sought to establish national regulations and, through comprehensive cooperation, have initiated the compilation and establishment of various documents in this field.



Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and
Summer 2024
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:
[10.22034/jclc.2024.718659](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718659)

The lack of legal and international recognition of these crimes, due to the absence of consensus among governments and international organizations—despite the existence of international conventions against terrorist crimes in global, regional, and even extra-regional territories—facilitates their increasing occurrence, thereby jeopardizing international peace and security. This situation not only aids in preventing threats to international peace and security but also underscores the justification for criminalization.

Therefore, there is an imperative need to formulate a coherent, technical, legal, and comprehensive definition that remains free from the politicization of international organizations and governments. The adoption of principled mechanisms and the utilization of maximum cooperation among governments and organizations at regional and international levels in combating terrorist acts is indispensable.

Keywords: *International Organized Crime, Terrorist Crimes, Rome Statute, International Criminal Court, International Criminal Law*

پښتونستان ګاونډي او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني



شناخت تحولات ماهوی و شکلی مقابله با جرایم تروریستی در حقوق کیفری بین‌المللی

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد
دانشگاه اراک، اراک، ایران
Email: p_namamian1512@yahoo.com

پیمان نمایان



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و
جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.718659](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718659)

چکیده

با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کماکان جرایم تروریستی مشمول یک تعریف مورد توافق جهانی نیستند، اما ضرورت توافق نسبت به ارائه تعریفی جامع و مانع در قلمرو جامعه بین‌المللی از این پدیده، امری الزامی و انکارناپذیر است. از اینرو، مهم‌ترین کاستی و شکاف ماهوی و ذاتی در نظام حقوق کیفری بین‌المللی، عدم وجود یک کنوانسیون جامع تروریسم است که جرایم تروریستی را به طور کلی کیفری قلمداد کند. با این حال، وجود این پدیده دهشتناک، تحولات حقوقی بسیار گسترده‌ای برای تصویب مقررات کنشی در سطوح ملی و بین‌المللی را فراهم نموده است؛ چرا که دولت‌ها در رویارویی با چنین وضعیتی درصدد تنظیم مقرراتی در سطوح ملی نمودند و با همکاری‌های فراگیر مبادرت به تدوین و وضع اسناد متعددی در این زمینه داشته‌اند.

فقد شناسایی حقوقی و بین‌المللی این جرایم به علت نبود اجماع میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، به‌رغم وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی در قلمرو جهانی، منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای، موجبات توسعه فزاینده آن را برای نقض صلح و امنیت بین‌المللی فراهم می‌آورد. البته این امر ضمن مساعدت در پیش‌گیری از تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی، توجیه‌پذیری جرم‌انگاری را به سهولت اثبات می‌نماید. بنابراین، ارائه تعریفی منسجم، فنی، حقوقی و جامع که به‌دور از سیاست‌زدگی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها باشد، امری لازم است. البته اتخاذ سازوکارهای اصولی و به‌کارگیری حداکثر تشریح مساعی در میان دولت‌ها با هم و سازمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه با اقدام‌های تروریستی امری انکارناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی، جرایم تروریستی، اساسنامه ژم، دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بین‌المللی کیفری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جامعه بین‌المللی امروزه عموماً این واقعیت را پذیرفته است که جرایم تروریستی در کلیه اشکال و نمودهایش، یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و هرگونه عملیات تروریستی با قطع نظر از نوع انگیزه، زمان، مکان و عاملانش، وصف مجرمانه دارد (فضائلی، ۱۴۰۲: ۱۱۳). از این‌رو، جرایم تروریستی^۱ رابطه‌ای بسیار عمیق و در عین حال منفصل با ساختار موجود در حقوق بین‌المللی کیفری دارند. عمق رابطه از این واقعیت ناشی می‌شود که نمی‌توان ارتباط حقوق بین‌المللی کیفری با جرایم تروریستی را انکار کرد؛ به‌دیگر تعبیر، همیشه توافق می‌شود جرایم تروریستی به‌عنوان جرایمی اطلاق شوند که باید بر پایه اصول حقوق کیفری مورد تعقیب کیفری قرار گیرند.^۲ این در حالی است که مقرره‌های کیفری داخلی تا حد قابل ملاحظه‌ای در پاسخ به مفهوم جرایم تروریستی بدون اثر است. با وجود این، مادامی که مقرره‌های داخلی در رسیدگی به چنین جرایمی ناکام می‌مانند، تصور بر این است که سازوکار تهاجمی در چارچوب و مسأله بین‌المللی امکان‌پذیر است.

کلیه اقدام‌های تروریستی نظیر اقدام‌های ارتكابی از سوی بازیگران غیردولتی نظیر القاعده در حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و داعش در سوریه و عراق که به‌طور صرف

۱. به‌طور کلی، تروریسم به‌عنوان استفاده غیرقانونی از خشونت برای پیشبرد اهداف سیاسی از طریق ایجاد ترس تعریف می‌شود. تیراندازی رایج‌ترین شکل خشونتی است که تروریست‌ها از آن استفاده می‌کنند و این به دلیل تخریب گسترده‌ای است که باعث می‌شود. مطابق با انگیزه ایجاد ترس در مردم، بیشترین هدف حملات تروریستی شهروندان و دارایی‌های خصوصی هستند. به‌عنوان نمونه، وضعیت خشونت در جنگ‌های آزادی‌بخش ملی و تعیین سرنوشت مشخص نیست. این فقدان توافق جهانی توانایی جامعه بین‌المللی را برای هماهنگی تلاش‌ها برای مبارزه با تروریسم با مشکل مواجه کرده است؛

<https://www.statista.com/topics/2267/terrorism/#dossierKeyfigures>

۲. ر.ک: مؤذن‌زادگان و رضوی‌فرد، ۱۳۹۸: ۵.

۳. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جرایم تروریستی یک پدیده معاصر ناپایدار اطلاق می‌شود که چالش‌های پیچیده حقوقی را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. سازمان ملل متحد و سایر نهادها و مراجع منطقه‌ای نظیر

نمونه‌هایی از دامنه و جدی بودن جرایم تروریستی در سراسر جهان است، دو امر را ثابت می‌کند؛ نخست این که جرایم تروریستی به‌طور صرف جرایمی نیست که از سوی یک گروه مذهبی یا آزادی‌خواه در خاورمیانه و آفریقا^۱ علیه یک کشور غربی تنظیم شده باشد، بلکه این نوع از جرایم، از آن جهت جهانی است که حتی به‌نظر می‌رسد حتی شهرها و کشورهایی که مشکوک به هم‌دستی با مجرمان تروریستی هستند از جرایم تروریستی رنج می‌برند. دوم، ماهیت بین‌المللی و جدی بودن جرم قضاوت شده با توجه به نحوه و تعداد افرادی که در چنین حملاتی کشته شده‌اند، اثبات می‌کند که جرایم تروریستی در واقع یک جرم بسیار جدی است که تحت قوانین عادی نمی‌توان با آن مقابله کرد.^۲

تغییر شکل پدیده تروریسم (از تروریسم سرخ به تروریسم سیاه) یا به عبارتی از تروریسم سیاسی به تروریسم دینی، از بین رفتن مفهوم مرز در حوزه جرایم تروریستی (جهانی شدن)، بزه‌دیدگی جمعی، نقض جدی حقوق بشر و سایر آثار اقتصادی، زیست محیطی و غیره از جمله مهم‌ترین تحولات در جرایم تروریستی است (ر.ک: اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵).

اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا و غیره راهبردهایی را برای پاسخگویی مؤثر در قبال جرایم تروریستی اتخاذ کرده‌اند. ترسیم یک راهبرد در چارچوب موازین حقوق بین‌المللی برای پاسخ به جرایم تروریستی تحت چارچوب سازمان ملل متحد امکانی را برای مقررهای داخلی در قلمرو حاکمیتی و دولت‌های ایجاد خواهد کرد تا آن‌ها در سطوح ملی و داخلی مبادرت به تقابل با چنین جرایمی نمایند. لازم به‌ذکر است حتی پاسخ به جرایم تروریستی بین‌المللی که ماهیتی فرامرزی یا فراملی دارد، کاربرد نیروی اجرای قانون داخلی با همکاری مداوم دولت‌های درگیر را می‌طلبد. البته پشتوانه حقوقی کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی امکان تعقیب و پیگرد را فراهم می‌سازد.

۱. لازم به‌ذکر است در آگوست ۲۰۱۶، در جمهوری دموکراتیک کنگو، نیروهای دموکراتیک متفقین گزارش دادند که ۶۰ تا ۱۰۰ نفر را در شهر بنی به عنوان بخشی از حمله تروریستی خود قتل عام کرده‌اند؛

- Aljazeera, "Scores 'Hacked to Death' in Machete Attack in DR Congo", [15 Aug 2016] Aljazeera (online), available at: < <http://www.aljazeera.com/news/2016/08/scores-hacked-death-machete-attack-dr-congo-160814133550565.html>>

۲. در این رابطه می‌توان اذعان داشت افغانستان، سوریه و هند بیشترین تعداد حملات تروریستی را در سطح ملی در سال ۲۰۱۹ گزارش کرده‌اند. به‌طور کلی، سال ۲۰۱۹ بیش از ۸۳۰۰ حمله تروریستی در سراسر جهان و حدود ۲۵۰۰۰ کشته بر اثر تروریسم داشته است؛

<https://www.statista.com/statistics/236983/terrorist-attacks-by-country/>

البته دو گرایش غالب تروریسم را در قرن بیست و یکم شکل می‌دهند؛ اول، حضور بیش از حد خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا در تعداد حملات تروریستی بر اساس منطقه است.^۱ دوم، تعداد بالای حملات توسط گروه‌های تروریستی است که هم از نظر اعتقاد مذهبی هستند^۲ و هم برای کنترل سیاسی مناطق فوق‌الذکر^۳. وفق تحولاتی که در این رابطه طی ادوار گوناگون حادث شده‌اند، به نظر می‌رسد جرایم تروریستی به طور کلی در حالت رکود زمانی و مکانی قرار نگرفته است و کماکان در حال توسعه و گسترش است؛ مؤید این امر وقوع روزافزون اقدام‌های تروریستی در اقصی نقاط جهان است که موجبات نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم آورده و همین وضعیت منجر به صدور قطعنامه‌هایی نظیر (۲۰۲۰) ۲۵۵۷، (۲۰۱۹) ۲۵۰۱، (۲۰۱۹) ۲۴۹۰، (۲۰۱۹) ۲۴۸۲، (۲۰۱۹) ۲۴۶۲، (۲۰۱۷) ۲۳۹۶، (۲۰۱۷) ۲۳۹۵، (۲۰۱۷) ۲۳۷۹، (۲۰۱۷) ۲۳۷۰، (۲۰۱۷) ۲۳۶۸، (۲۰۱۷) ۲۳۴۱ و (۲۰۱۶) ۲۳۲۲ و (۲۰۱۶) ۲۳۰۹ توسط شورای امنیت ملل متحد در خصوص تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی در ابعاد

۱. این مناطق به طور کلی بیش از ۷۴۷۰۰ مورد از ۹۸۳۲۸ حمله تروریستی در سراسر جهان را بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ تشکیل می‌دهند؛

<https://www.statista.com/statistics/489581/terrorist-attacks-by-region/>

۲. شاید دو سازمان تروریستی، داعش و طالبان باشند که تنها در سال ۲۰۱۹ در مجموع مسئول ۱۸۳۶ حمله تروریستی بودند. علی‌رغم این ارقام، چنین سازمان‌هایی حضور نسبتاً کمی در آمریکا دارند و تنها ۱۲ تروریست جهانی در سال ۲۰۲۰ در حین انجام یک فعالیت تروریستی در ایالات متحده دستگیر یا کشته شدند؛

<https://www.statista.com/statistics/667929/terrorists-in-the-us-since-911-year-and-gender/>

۳. طی دهه‌های پیش‌روی در اکثر حملات تروریستی احتمالاً از سلاح‌هایی مشابه آنچه در حال حاضر موجود است استفاده می‌شود؛ مانند سلاح‌های کوچک و مواد منفجره دست‌ساز؛ زیرا این سلاح‌ها عموماً کافی، در دسترس و قابل اعتماد هستند. با این حال، پیشرفت‌های فن‌آوری، از جمله هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و اینترنت اشیا، ممکن است فرصت‌هایی را برای تروریست‌ها فراهم کند تا با توسعه روش‌های حمله جدید و از راه دورتر حملاتی را انجام دهند و در آن سوی مرزها همکاری کنند. تروریست‌ها همچنین به دنبال سلاح‌های کشتار جمعی و سایر سلاح‌ها و رویکردهایی خواهند بود که به آنها امکان انجام حملات تلفات جمعی تماشایی را می‌دهد؛

<https://www.dni.gov/index.php/gt2040-home/emerging-dynamics/international-dynamics/the-future-of-terrorism>

و اشکال و ظواهر است.^۱ از این رو، به‌رغم کثرت صدور قطعنامه توسط شورای امنیت در این زمینه‌ها، نه‌تنها تعریفی از تروریسم ارائه نکرد، بلکه با ملاحظاتی خاص تنها در پی شناسایی تروریسم در ابعاد و زمینه‌های جدید که امکانی در نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد، مبادرت نمود.^۲

افزون بر این، جرایم تروریستی طی دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته قرار گرفته است.^۳ این در حالی است

1. See: <https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions-0>

۲. آنچه در زمینه پاسخ‌گذاری به جرایم تروریستی توسط شورای امنیت صورت پذیرفت وفق مقدمه مقرر در قطعنامه (۲۰۱۴) ۲۱۹۵ بود که با اشاره به «پدیده جنگ‌جویان تروریستی خارجی»، درخصوص بهره‌مندی این دسته از تروریست‌ها با ارتکاب جرایم سازمان‌یافته فراملی در برخی مناطق از جمله قاچاق اسلحه، انسان، مواد مخدر و مصنوعات و نیز تجارت غیرقانونی منابع طبیعی شامل طلا و سایر فلزات گران‌بها و سنگ‌ها، مواد معدنی، زغال چوب و روغن، صید غیرمجاز در حیات وحش و آدم‌ربایی برای باج و جنایات دیگر از جمله اخذی و سرقت از بانک، ابراز نگرانی کرد؛

- UN Security Council, Security Council Resolution 2195 (2014) [On Preventing and Combating Terrorism, Including Terrorism Benefitting from Transnational Organized Crime], 19 December 2014, S/RES/2195 (2014), available at:

<https://www.refworld.org/docid/54b4fd874.html>.

۳. مسئله جرایم تروریستی در سازمان ملل متحد به‌عنوان بخشی از برنامه اقدام برای پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های خشونت‌آمیز طی ۱۵ ژانویه ۲۰۱۶ توسط دبیرکل و در کنفرانس ژنو مطرح شد. پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های خشونت‌آمیز توسط سازمان ملل متحد و سوئیس را طی ۷ و ۸ آوریل ۲۰۱۶ سازماندهی کردند. اگرچه این مسئله همچنان در صحنه‌های بین‌المللی قابل ملاحظه است، اما معنای تروریسم به خودی خود دیگر وجود ندارد؛

- United Nations, *Fourteenth United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Kyoto (Japan)*, March 7-12, 2021.

به‌علاوه، از هفتم تا بیستم مارس ۲۰۲۱، سازمان ملل متحد با برگزاری «چهاردهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری» در کیوتو، برای تهیه «پیش‌نویس بیانیه کیوتو برای پیشگیری از وقوع جرم، عدالت کیفری و حاکمیت قانون: به‌منظور دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» مبادرت به ارائه سازوکارهای پیشگیرانه و تهاجمی در قبال تروریسم وفق بندهای ۷۳ تا ۷۵ نمود؛

- United Nations Office on Drugs and Crime, *Draft Kyoto Declaration to Advance Crime Prevention, Criminal Justice and the Rule of Law: Towards Achieving the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Vienna,

که مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن ابراز نگرانی راجع به «روابط در حال رشد و خطرناک میان گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و باندهای شبه‌نظامیان آن‌ها» طی سال ۱۹۹۴، شورای امنیت ملل متحد وفق قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ با اشاره به «رابطه نزدیک تروریسم بین‌المللی و جرایم سازمان‌یافته فراملی، نقل‌وانتقال غیرقانونی مواد مخدر، پول‌شویی، قاچاق اسلحه، نقل‌وانتقال مواد هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و سایر مواد بالقوه کشنده»، بر لزوم تقویت هماهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی به منظور تقویت پاسخ جهانی به این چالش جدی و تهدید بین‌المللی تأکید کرد (ممتاز، ۱۴۰۰: ۳۹-۳۶).

بنابراین مقرره‌های موجود در حقوق بین‌المللی کیفری این امکان را دارند تا با این پدیده مقابله کنند. از این رو، با توجه به اینکه جرایم تروریستی همیشه به عنوان یک چالش بین‌المللی و نه سرزمینی ترسیم شده است، می‌تواند از جامعه بین‌المللی برای نیل به سازوکارهای حقوقی مؤثر برای پاسخ با این موضوع حمایت بیشتری کسب کند.

با این همه، آنچه این پژوهش را با سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «چرا تاکنون هیچ تعریفی جامع و مانع از حیث حقوقی که مورد اجماع جامعه بین‌المللی است، ارائه نشده است؟» و «چه سازوکارهایی در عرصه جهانی در قبال جرایم تروریستی برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی باید اتخاذ شود؟» است که با تدقیق در شناسایی تحولات اخیر در موازین حقوق بین‌المللی کیفری در نسبت تهاجمی به جرایم تروریستی در پی استنتاج امکان‌سنجی رویارویی با این دسته از جرایم بین‌المللی را در عرصه جهانی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی میسر می‌سازد؛ چرا که این پژوهش

<https://www.unodc.org/documents/commissions/Congress/21->

02815_Kyoto_Declaration_ebook_rev_cover.pdf

1. UN General Assembly Resolution 49/60(1994), (Measures to eliminate international terrorism), Annex (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism), 9 December.

درصد است تا با توجه به رهیافت‌ها و دستاوردهای نوین حقوق بین‌المللی کیفری در قبال توسعه فزاینده گستره جرایم تروریستی در چارچوب تحولات ماهوی و شکلی، ضمن «مطالعه مختصات مفهوم‌شناسی جرایم تروریستی با توجه به فقد تعریف حقوقی با توجه به چالش‌های ناشی از آن» و نیز «ماهیت و محتوای صلاحیت جهانی برای تعقیب جرایم تروریستی»، «نحوه همکاری‌های بین‌المللی کیفری در استرداد مجرمان تروریستی» و «آثار و نتایج حاصل از قواعد و موازین حقوقی در قلمرو نظام بین‌المللی کیفری» را مورد مطالعه و سنجش قرار دهد. روش‌شناسی در این مقاله از نظر هدف، کاربردی و از حث ابزار تحقق، اسنادی و کتابخانه‌ای است.

۱. تحولات ماهوی

جرایم تروریستی در قرن بیست و یکم، روندها و ویژگی‌های متمایزی از خود نشان داده است. با اینکه این نوع از جرایم بین‌المللی منحصر به این قرن نیست، اما پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، توجه جهانی بیش از پیش به گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی جلب گردید و در واقع از این زمان بود که مسئله ترور و تروریسم و نحوه مقابله با آن به یکی از پارادایم‌های تجزیه و تحلیل در عرصه حقوق و سیاست جهانی تبدیل شد. از این رو، با توجه به سطح رو به رشد تهدیدهای ناشی از جرایم تروریستی، تبیین و شناخت تحولات آینده این نوع جرم برای مقابله با آن ضروری به نظر می‌رسد (مبیینی کشته و امیدي، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

برخی از صاحب‌نظران اذعان می‌دارند عدم ارائه تعریفی از تروریسم منجر به آن شده است که حقوق بین‌المللی کیفری در مواجهه با این پدیده عاجز بماند. در مقابل، برخی دیگر معتقد هستند حقوق بین‌المللی کیفری در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تا حدود زیادی به مبارزه با تروریسم پرداخته است، اما واقع امر آن است که این جرم‌انگاری‌ها محدود بوده و سازوکاری جامع برای مبارزه

ریشه‌ای با جرایم تروریستی ارائه نمی‌دهند (فرهادنیا و هنجنی، ۱۳۹۸: ۷). با این همه، به نظر می‌رسد که شناخت ماهیت حقوقی جرایم تروریستی از رهگذر چالش‌های بین‌المللی امکان مواجهه مؤثر را در عرصه جهانی فراهم خواهد آورد.

۱-۱. تحولات حقوقی و چالش‌های بین‌المللی

علی‌رغم تلاش‌های صورت‌پذیرفته از سوی نهادهای بین‌المللی، تاکنون هیچ کنوانسیون جامع در قبال جرایم تروریستی تصویب و اجرا نشده است (Margariti, 2018: 186). این در حالی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی تنها مبادرت به جرم‌انگاری مظاهر خاص خشونت‌های سیاسی داشته‌اند.^۱ البته لازم به ذکر است قوانین کیفری ملی در مواجهه با جرایم سیاسی متفاوت از جرایم عادی رفتار کرده است و صاحبان قدرت ملی تمایل به سرکوب شدید خشونت‌های سیاسی دارند؛ چرا که این امر موقعیت یا موجودیت آن‌ها را تهدید می‌کند. بنابراین، در این فرایند توصیف و مفهوم جرایم تروریستی در چالشی معنایی قرار گرفته است. از این‌رو، نبود تدقیق در انگاره‌های مفهومی با تأکید اساسی بر اصل قانونی بودن جرم و کیفری یعنی الزام به وجود مقرره‌های کیفری قابل دسترسی و قابلیت پیش‌بینی پیش از ارتکاب جرم، اجرای صحیح مقررات کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Cherniadyeva, 2020: 68-69).

با توجه دشواری شناخت جرایم تروریستی، تفکیک مفهومی جرایم مزبور از جرایم سازمان‌یافته فراملی ابهام‌آمیز به نظر می‌رسد. در قلمرو جامعه بین‌المللی، نقطه‌نظرهای

۱۹ ماده ۲ کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما، ماده ۳ کنوانسیون راجع به سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری؛ مواد (۱) ۲ و (۲) ۲ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛ ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری؛ مواد (۱) ۷ و (۲) ۷ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای؛ ماده ۵ کنوانسیون سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی کشتی‌رانی دریایی و پروتکل سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی سکوه‌های ثابت مستقر در فلات قاره؛ مواد ۴ و ۵ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی؛ ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم.

متضادی قابل ملاحظه است؛ از یک سو، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه (۲۰۰۰) ۵۵/۲۵ با نگرانی عمیق به پیوندهای فزاینده میان جرایم تروریستی و جرایم سازمان‌یافته فراملی اشاره دارد و در پاراگراف ششم قطعنامه مزبور از کلیه دولت‌ها درخواست می‌کند تا رابطه میان جرایم تروریستی و جرایم سازمان‌یافته فراملی را تشخیص دهند.^۱ به‌دیگر تعبیر، مجمع عمومی ارتباط میان این دو نوع از جرایم را تأیید کرد. از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد تعریف دقیق «گروه مجرمانه سازمان‌یافته» در «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی، مصوب ۲۰۰۰» مؤید تفکیک میان جرایم تروریستی و جرایم سازمان‌یافته فراملی هستند. افزون بر این، از نظر بند «الف» ماده ۲ کنوانسیون، «گروه مجرمانه سازمان‌یافته» عبارت است از «گروه سازمان‌یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و به‌طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، فعالیت می‌کند.» از این رو، تروریست‌هایی که به‌طور صرف با انگیزه‌های مذهبی و یا سیاسی مبادرت به اقدام‌های سازمان‌یافته می‌کنند، از شمول تعریف مقرر خارج است. بنابراین، رویکرد حاکم در بند «الف» ماده ۲ کنوانسیون مشتمل بر تروریست‌هایی است که برای تأمین بودجه اقدام‌های خود مرتکب جرایم عادی نظیر سرقت، قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی برای تسهیل وجه نامشروع می‌شوند. اهداف مزبور به ارتکاب یک جرم جدی اشاره دارد که هدف اصلی آن دسترسی به منافع مالی یا مادی است؛ هرچند ضرورتی در کسب سود مادی به‌عنوان هدف اصلی یا غالب نیست؛ چرا که انگیزه پنهانی ممکن است کماکان سیاسی باشد (Saul, 2017) (426-428). باید اذعان شود که اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی راجع به انگیزه سیاسی فاقد هرگونه مقرر هستند و به‌طور صرف به هدف ارباب عمومی

1. UN General Assembly Resolution 55/25(2000), 15 November.

مردم و یا اجبار مقامات دولتی برای فعل و ترک فعل اشاره دارند.^۱ با این همه، حتی اگر به طور عملی کلیه اقدام‌هایی نظیر بمب‌گذاری، هواپیمابایی و گروه‌گنجگیری^۲ به مثابه جرم تروریستی اطلاق گردد، نسبت به تعریف کلیه زوایای جرایم تروریستی اجماع مطلق وجود ندارد (Braber, 2017: 35). بنابراین، با برجسته‌ساختن ارکان متعارف جرایم تروریستی برای تدوین تعریفی متناسب و مفید از جرایم تروریستی، این اطمینان حاصل می‌گردد که اقدام‌های اصلی تروریستی امکانی برای پوشش این تعریف را نداشته باشد. البته این گونه جرایم به عنوان یکی از مصادیق جرایم سازمان‌یافته، باید با استفاده یا تهدید به استفاده از زور ارتکاب یافته باشد. به علاوه، جرم تروریستی باید به عنوان جرمی اطلاق گردد که از نتیجه رفتاری تصادفی و فاقد انتخاب افراد از پیش تعیین شده در زمان ارتکاب جرم، باشد (Rausch, 2015: 24). البته خشونت ناشی از جرایم تروریستی باید به صورت عمدی علیه غیرنظامیان متمرکز صورت پذیرد. بنابراین، عدم اطلاق ماهیت بین‌المللی جرایم تروریستی از تعریف مورد نظر حائز اهمیت است؛ چرا که این نوع از جرایم به گونه‌ای قابل ملاحظه طی دهه‌ها و سال‌های اخیر به میزان گسترده‌ای در قلمرو سرزمینی دولت‌های، توسعه یافته است. از این رو، مؤلفه بین‌المللی بودن جرایم تروریستی این امکان را فراهم می‌کند در صورت وجود رکن فراملی به گونه‌ای مطلوب برای تعریف امروزی با توجه به تحولات شگرفی که در چارچوب نظام حقوق بین‌المللی کیفری رخ داده است، مناسب باشد.^۳

۱. در این زمینه، ر.ک: ماده نخست از «کنوانسیون بین‌المللی علیه گروه‌گنجگیری، مصوب ۱۹۷۹».

۲. از طریق گروه‌گنجگیری، تروریست‌ها قصد در محکومیت گروه و جمعی را دارند که شخص متعلق به آن است. بزه‌دیدگان بی‌گناه نیز دارای ارزشی نمادین هستند. هدف این است که نه تنها بی‌گناهی از طریق فرایند بزه‌دیدگی به تقصیر تبدیل شود، بلکه از بی‌گناهی بزه‌دیدگان نیز وسیله‌ای ایجاد شود برای وارد کردن فشار به کسانی که اصولاً باید حمایت آنها را تضمین کنند (أتنف، ۱۳۸۳: ۳۳۳).

3. *Interlocutory Decision on the Applicable Law: Terrorism, Conspiracy, Homicide, Perpetration, Cumulative Charging*, Case No. STL-11-01/I, 89, Feb. 16, 2011.

۱-۲. معیارها و مؤلفه‌های حقوقی

جرایم تروریستی در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری و تحولات اخیر در آن مبین فقدان تعریفی جامع و کاربست حقوقی منسجم در قبال جرایم تروریستی در کلیه ابعاد و اشکال آن است. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه شد، اولین چالش حقوقی، ضرورت ارائه تعریفی مناسب و متناسب از جرایم تروریستی به‌عنوان جرایم سازمان‌یافته است. از این‌رو، و در مواجهه با چنین وضعی می‌توان این پرسش را مطرح کرد که «آیا با توجه به این که به‌نظر می‌رسد کلیه حوادث و وقایع تروریستی قابل تفکیک نسبت به هم هستند، امکانی برای ارائه تعریفی واحد و جهانی از جرایم تروریستی امری منطقی و قابل قبول است؟» هر چند مادامی که موازین حقوق بین‌المللی کیفری بر جرایم تروریستی سیطره پیدا می‌کند، لازمه این امر رعایت و اجرای صحیح اصل قانونی جرم و مجازات در قلمرو جهانی حقوق کیفری است. بنابراین، اولین پیامد حقوقی در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری این است که اگر این مجموعه از قوانین در مورد جرم تروریستی اعمال شود، تروریسم باید نوعی تعریف داشته باشد. به‌علاوه، همان‌گونه که از اشکال گوناگون جرایم تروریستی قابل ملاحظه است، جامعه بین‌المللی شاهد یک تحول دهشتناک از جرایم تروریستی بوده و منجر به آثار و پیامدهای بی‌نظیری برای حقوق بین‌المللی کیفری است.

با این اوصاف، مسئله‌ای که کاربرد حقوق بین‌المللی کیفری را در قبال جرایم تروریستی آشکار می‌سازد این است که نهادهای قانونی از قبل تنها برخی از ارکان جرایم تروریستی را مورد شناسایی قرار می‌دهند. افزون بر این، به‌نظر می‌رسد حتی تلاش برای تدوین اسنادی که با جرایم تروریستی درصدد مواجهه هستند، تنها تا حدی امکان تقابل را دارند، زیرا نهادهای قانونی موجود به اندازه کافی امکان مقابله با جرایم تروریستی را ندارند و یا حتی در برخی مواقع به‌نحوی مطلوب با چنین جرایمی مقابله نمی‌کنند و بر همین اساس گستره کافی برای معرفی مجموعه‌ای کامل و نوین از قانون را فراهم نمی‌آورد. از این‌رو،

برای مقابله و سرکوب جرایم تروریستی این امر بدان مفهوم است که تنها سازوکار اجرای موازین در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری در قبال جرایم تروریستی، اصلاح مقرره‌های کلاسیک است به گونه‌ای که به جرایم تروریستی همان قدرت قانونی و بهره‌گیری از عناوینی نظیر نسل‌کشی و جرایم ضدبشری داده شود.^۱ البته در این فرایند، جرایم تروریستی می‌تواند در گروه‌های موجود در چارچوب جرایم بین‌المللی قرار گیرد، به نحوی که امکان پیگیری و تعقیب قانونی این جرایم وفق موازین حقوق بین‌المللی کیفری وجود دارد (Van Der Wilt and Paulussen, 2017: 124-126).

جرایم تروریستی در حال حاضر به‌عنوان یک جرم معاهداتی قلمداد می‌شود؛ البته تأثیر این دسته از معاهدات (نظیر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی که از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۴^۲ توسط سازمان‌های بین‌المللی مصوب شده‌اند) که با اقدام‌های تروریستی به‌مثابه یک جرم معاهداتی به‌شمار می‌آید این است که دولت‌ها باید از طریق اصول مقرره‌های داخلی خود با جرایم مزبور مقابله کنند و تنها در خصوص تحقیقات پیرامون این جرایم و تعقیب مجرمان تروریستی با سایر کشورها مبادرت به همکاری بین‌المللی نمایند. به هر روی، آثار و پیامدهای حقوقی در قلمرو موازین حقوق بین‌المللی کیفری این امر را آشکار می‌سازد که جرایم تروریستی باید به جای یک جرم معاهداتی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین جرایم در چارچوب نظام حقوق بین‌المللی مورد تفسیر قرار گیرد تا قدرت کامل بین‌المللی را به خود جلب نماید.

۱. نسل‌کشی، جرایم علیه بشری، جنایات جنگی و تجاوز، که نماد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می‌شوند، ابتدا در حقوق بین‌المللی کیفری نوپا (نسبت به حقوق کیفری ملی) ظهور پیدا کردند و برای نخستین مرتبه در اسناد بین‌المللی، نظیر کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) جرم‌انگاری شدند (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۹۶).

۲. ر.ک: کنوانسیون راجع به جرایم و دیگر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما (۱۹۶۳).

۳. ر.ک: پروتکل الحاقی به کنوانسیون راجع به جرایم و دیگر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما (۲۰۱۴).

۲. تحولات شکلی

جرایم تروریستی بدون شک به مثابه یکی از دهشتناک‌ترین پدیده‌هایی است که امروزه موجبات نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم می‌کند. تاکنون بیش از سیزده هزار حادثه مرتبط با جرایم تروریستی در جهان رخ داده است، و مادامی که این تعداد نسبت به سال‌های اخیر اندکی کاهش یابد، هنوز هم بسیار زیاد و قابل تأمل است. بنابراین، به‌رغم تعدد و تکرار این گونه جرایم، دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی ارتكابی را ندارد.^۱ وفق همین امر، آنچه در قبال جرایم تروریستی در فرایند تعقیب و دادرسی مجرمان تروریستی بیش از همه صاحب‌نظران و اندیشمندان حقوق بین‌المللی کیفری را به خود جلب کرده است این که تأسیس یک نهاد قضایی بین‌المللی برای تعقیب قانونی مجرمان تروریستی امری انکارناپذیر است و نیاز به امکان تعقیب قانونی جرم تروریستی به‌عنوان یک‌نوع خاص جدید از جرایم بین‌المللی وجود دارد (Kleczkowska, 2019: 53).

در جامعه بین‌المللی، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پدیده تروریسم به‌عنوان امری ناپایدار در عصر معاصر اطلاق شده و در عین حال چالش‌های حقوقی قابل ملاحظه‌ای را پدید آورده است. سازمان ملل متحد و دیگر نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای راهبردهایی را برای پاسخ‌گذاری مؤثر به کلیه تهدیدهای ناشی از جرایم تروریستی اتخاذ کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای و در چارچوب نهادهایی نظیر اتحادیه اروپا، آفریقا و حتی در خاورمیانه، سیاست‌گذاری‌های حقوقی قابل ملاحظه‌ای صورت پذیرفته است. این در حالی است که در سطح بین‌المللی و در نظام حقوق بین‌المللی کیفری جرایم تروریستی باید به‌عنوان جرایم بین‌المللی تنظیم

۱. البته در بین کلیه محاکم کیفری بین‌المللی که تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی نظیر جرایم ضدبشری، جنگی و نسل‌کشی را دارند، دادگاه ویژه لبنان امکان رسیدگی و اِعمال صلاحیت مطابق اساسنامه مصوب در رسیدگی به جرایم تروریستی را دارد.

شوند. با توجه به لزوم پیشبرد موازین حاکم در حقوق بین‌المللی کیفری، دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی وفق اساسنامه ژنوا تأسیس شد. از این رو، حقوق بین‌الملل مشتمل بر ابعاد متنوعی از حقوق بین‌المللی ماهوی است که در ارتباط با تعریف، تعقیب قانونی و کیفر جرایم بین‌المللی و نیز سازوکارها و رویه‌های گوناگون قرار دارد و توسط دولت‌ها برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در تحقیقات و اجرای مقرره‌های کیفری داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Adibe, 2020: 27).^۱ اساسنامه ژنوا دیوان کیفری بین‌المللی ضمن تأسیس دیوان با اختیارات قضایی برای پیگرد قانونی به چنین جرایمی، چارچوب قانونی را فراهم کرد. با توجه به نگرانی نهاد جهانی در مورد تروریسم به عنوان جرمی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، عدم آمادگی جامعه جهانی برای وارد کردن جرایم تروریستی در چارچوب قانونی جرایم بین‌المللی به دلیل اختلافات سیاسی، یک قطب از رسوایی جهانی است.

با این همه، اصلاحات اساسی و گسترده در چارچوب و قلمرو نظام حقوق بین‌المللی کیفری و ایجاد جرایم کیفری جدید در کلیه قلمروهای قضایی به‌عنوان پاسخ مستقیم و فوری به جرایم تروریستی اطلاق می‌شود. چنین راهبردی اغلب به جای مجازات جرایم گذشته، پیشگیری از اقدام‌های نادرست در آینده است؛ بنابراین، به‌طور معمول دولت‌ها

۱. رویکرد مراجع متعدد تصمیم‌سازی بین‌المللی، به تحولاتی در موضوع تروریسم در خصوص مفهوم و گستره، نسبت آن با حقوق مخاصمات مسلحانه و نیز نسبت آن با حقوق بشر منجر شده است. این مراجع برای تعریف تروریسم گام‌های مهمی برداشته‌اند. از جمله شورای امنیت برای نخستین بار تروریسم را تعریف کرده و امکان توسل به حق دفاع مشروع علیه فعالیت‌های تروریستی را تأیید کرده است. رویکرد شورا در مقایسه با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار پیش‌روتر به‌نظر می‌رسد. این شورا برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری نقش تقنینی برای خود قائل شده که در رویه حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد بی‌سابقه است. درباره لزوم رعایت حقوق بشر متهمان تروریسم نیز، آرا و قطعنامه‌های مراجع متعدد تصریح می‌کنند که دولت‌های عضو نمی‌توانند به نام مبارزه با تروریسم هر اقدامی را که مناسب می‌بینند، به‌کار گیرند. موارد یادشده نشان می‌دهند که تأثیر تعدد مراجع بین‌المللی همچون دادگاه‌های رواندا و یوگسلاوی و نیز مراجع منطقه‌ای همچون دیوان‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر بر مفهوم تروریسم، در راستای استانداردهای حقوق بشر، تأثیری مثبت تلقی می‌شود (کفایی فر و تیموری، ۱۴۰۱: ۸۳۱).

در زمان پاسخ‌گذاری در قبال جرایم تروریستی ممکن است به‌نحوی بر حاکمیت و دموکراسی تأثیر بگذارند؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که اتخاذ تدابیر ویژه پس از یک حمله تروریستی برای حفاظت از بزه‌دیدگان احتمالی چنین حمله‌هایی قابل توجیه باشد. لازم به‌ذکر است که اصلاح موازین حقوق بین‌المللی کیفری در واکنش به تهدیدهای تروریستی ممکن است بر حقوق و دموکراسی اثر گذار باشد (Noorda, 2017: 1).

۲-۱. صلاحیت جهانی

جرایم تروریستی و چالش‌های ناشی از آن موجب گردیده است تا جامعه بین‌المللی اسناد متعددی را در مواجهه با آنها به تصویب رساند. در چارچوب تصویب اساسنامه ژنوا در سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، سازوکاری برای مقابله با جرایم بین‌المللی مورد اهمیت مقرر گردید. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به پیش‌نویس دیوان کیفری بین‌المللی، پیشنهادی دایره‌به‌درج یک طبقه دیگر از جرایم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان از جمله «جرایم معاهداتی» مشتمل بر تروریسم، قاچاق مواد، تبعیض نژادی و تخلف فاحش و شدید از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنوا ارائه کرد که عدم توافق نظر در این رابطه، موجب گردید جرایم تروریستی در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان قرار نگیرد.

به‌رغم عدم وجود تعریفی شفاف از جرایم تروریستی که برخی اوقات موجبات برائت متهمان جرایم تروریستی را فراهم می‌نماید، منجر به ایجاد تشکیک و سردرگمی در تفکیک صحیح جرایم تروریستی و سایر جرایم در قلمرو جامعه بین‌المللی می‌شود. از این‌رو، به‌طور معمول محاکم کیفری داخلی با توسل به ارکان و ساختار جرایم عادی از ابزارهای قانونی لازم برای محکومیت تروریست‌های داخلی برخوردار هستند. در این رابطه باید اذعان گردد مادامی که تروریست ادعایی در قلمرو حاکمیت هر دولت در دسترس قرار گیرد، دولت‌های طرف قرارداد استرداد، این حق را خواهند داشت که تروریست را مسترد یا تحت تعقیب قانونی

قرار دهند. البته الزام به استرداد، یا تعقیب قانونی تنها در ارتباط با جرایم خاص تروریستی است که وفق کنوانسیون‌های بین‌المللی تعهداتی را برای دولت‌ها مقرر کرده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به ماده ۸ «کنوانسیون بین‌المللی منع بمب‌گذاری‌های تروریستی، مصوب ۱۹۹۷» و ماده ۵ «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم، مصوب ۱۹۹۹» اشاره کرد. از این‌رو، طبقه‌بندی مناسب جرایم بین‌المللی یا فراملی در ایجاد و تأسیس امکانات قضایی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد؛ به‌عنوان نمونه، صلاحیت جهانی یعنی صلاحیت کیفری صرف مطابق ماهیت جرم بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب جرم، ملیت بزه‌دیده و مرتکب یا محکوم‌علیه، یا هرگونه ارتباط دیگر با دولتی که چنین صلاحیت‌هایی را اعمال می‌کند (Van Der Wilt and Paulussen, 2019: 321).

۲-۲. استرداد و همکاری‌ها

۲-۲-۱. چالش‌های بین‌المللی

با توجه به ماهیت ناپایدار جرایم تروریستی، ضرورت همکاری‌های بین‌المللی در اجرای موازین کیفری در قبال جرایم تروریستی و سازمان‌یافته امری اجتناب‌ناپذیر است. این همکاری‌ها مشتمل بر اقدام‌هایی نظیر «انتقال فیزیکی متهمان و مجرمان»، «استماع شهود»، «تحقیقات از راه دور»، «مصادره دارایی‌ها» و «اجرای احکام خارجی» است.^۱ از این‌رو، یکی از مسائلی که در فرایند استرداد مجرمان راجع به جرایم تروریستی قابل بحث بوده «جرم سیاسی» است که البته در این بین پرسش قابل طرح این‌که «آیا اقدام‌های تروریستی به‌عنوان جرایم سیاسی شناخته می‌شوند که به‌طور سنتی از استرداد مجرمان

۱. ر.ک: ربو، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۱۸۳. لازم به‌ذکر است با توجه به فجایع حادث شده بالاخص حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مورد توجه ویژه در عرصه حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. از آثار مهم مبارزه با این جرایم، چیرگی امنیت‌گرایی بر قضامندی عادلانه است که در پرتو این رویکرد، دولت‌ها ترجیح می‌دهند مرتکبان جرایم تروریستی را، خارج از قواعد حقوق بین‌الملل مورد بازجویی قراردهند (کهندانی و رضوی‌فرد، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

معاف هستند؟» در این رابطه باید اذعان شود که دولت‌ها درصدد هستند تا گستره جرم سیاسی را تحدید کنند که البته در نیل به این هدف موفق به حذف آن در جرایم بین‌المللی نظیر جرایم جنگی، نسل‌کشی و حتی اقدامات خشونت‌آمیزی هم‌چون شکنجه شده‌اند. با وجود این، سنجش ماهیت سیاسی یک جرم در زمینه استرداد یک امر خاص و حساس است (Adibe, 2020: 37). از این‌رو، اظهارات دولت در خواست‌کننده دائر به تعلق فرد یا افراد متواری شده به یک سازمان تروریستی، مؤید این امر است که آن‌ها خارج از صلاحیت جرایم سیاسی، مشروعیت دارند؛ چرا که اطلاق تروریستی سازمان مورد نظر از حیث ماهیت، اثبات این امر است که دولت درخواست‌کننده با آن سازمان، تضاد سیاسی دارد. به هر روی، دولت‌ها با انعقاد معاهده‌هایی راجع به سرکوب جرایم تروریستی که به‌طور صریح اعمال استثناء جرم سیاسی در خصوص جرایم تروریستی را حذف می‌کنند، موفق به رفع خلاء موجود در قبال مجرمان تروریستی شده‌اند.

با این همه، اقدام‌های مزبور به‌هیچ‌وجه تضمین تسهیل استرداد مجرمان تروریستی نیست. این دسته از مجرمان پس از استرداد یا اخراج، با خطر بیشتری برای نقض فرایند دادرسی، شکنجه و حتی قرار گرفتن در معرض کیفر اعدام قرار دارند. البته لازم به‌ذکر است که محاکم داخلی به‌دلایلی نظیر آشکار شدن اقدام‌های خشونت‌آمیز در اذهان عمومی و بین‌المللی، تمایلی برای مواجه شدن با خطر شکنجه مجرمان تروریستی ندارند. لذا شکنجه به‌صورت پنهانی صورت پذیرفته و دولت‌ها به اقدام‌های خود اعتراف نمی‌کنند. به‌نظر می‌رسد امروزه برای فرار از خطر متهم شدن به شکنجه متهمان یا محکومان تروریست، به مجازات‌ها یا بازداشت‌های طولانی‌مدت و گاه بدون اتهام روی آورده‌اند. به عبارتی، با شکلی مشروع و قانونی، اهداف خود را دنبال می‌کنند. بنابراین، پرسشی که قابل طرح است این‌که مجرم تروریستی در چه لحظه‌ای مجاز به آزادی از سوی محکمه می‌شود؟» در پاسخ باید اظهار داشت اگرچه محاکم به‌طور معمول تمایل دارند هر زمان

اطمینان حاصل نشود، از استرداد مجرم تروریستی خودداری کنند، اما فقدان گزینه‌ای مناسب و قابل اجرا، موجبات ایجاد چالش‌هایی را فراهم می‌آورد. بنابراین، مادامی که امکانی برای تسلیم متهم وجود نداشته باشد، باید با قید فوریت وی را آزاد کرد تا از کیفر رهایی یابد. به علاوه، می‌توان مدعی شد که دولت‌ها باید با در دست داشتن فرایند دادرسی کیفری برای حل چالش‌ها اقدام‌های مؤثری را صورت دهند.

بنابراین، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی سازمان ملل متحد سعی دارند با توسعه مبنا و اساس صلاحیت قضایی کشورها در مورد جرایم تروریستی این مشکلات را مرتفع نمایند، از جمله در جایی که رابطه‌ای میان مجرم و کشور دستگیر کننده او وجود ندارد، مگر حضور محض مجرم فراری در قلمرو سرزمینی که وی را دستگیر می‌کند (Roel, 2022: 281-282).

۲-۲-۲. استرداد بین‌المللی

ارتباط و پیوند بین جرایم تروریستی و سازمان یافته به نظر می‌رسد در خصوص همکاری‌های کیفری بین‌المللی چالش‌هایی را ایجاد کرده است؛ توافق میان یک جرم مشترک (به تعبیری «سازمان یافته») و یک اقدام تروریستی این مسئله که «آیا ممنوعیتی در پیگرد قانونی و محاکمه جداگانه برای جرایم مقرر در چنین نظام حقوقی تحت قاعده خطر مضاعف^۱ وجود ندارد؟» را در ذهن ایجاد خواهد کرد. وفق همین امر، اگر این شخص به اتهام دست داشتن در قاچاق مواد مخدر در قلمرو حاکمیت دولتی مورد محاکمه قرار گیرد،

۱. مطابق قاعده خطر مضاعف (Non bis in idem) و در چارچوب آموزه‌های حقوقی، به علت همان اقدام، هیچ‌گونه اقدام حقوقی و قانونی نمی‌تواند دو مرتبه صورت پذیرد. این مفهوم حقوقی از قانون مدنی رُم نشئت گرفته است. لازم به ذکر است که «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، حق رهایی از قاعده خطر مضاعف را تضمین می‌کند. البته اساسنامه رُم دیوان کیفری بین‌المللی گونه‌ای اصلاح‌شده از قاعده را مورد استعمال قرار داده است. به علاوه، مطابق ماده ۱۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا این اصل را به طور عمده برای تبیین احکام دادگاه موقت، قوی‌تر از احکام محاکم داخلی به اجرا گذاشتند.

تعقیب قانونی شخصِ دیگر به اتهام ارتکاب جرم تأمین مالی تروریسم منع می‌شود؛ این در حالی است که تنها در تاریخ بعدی این اتفاق افتاده بود که آنها قاچاق را برای یک هدف تروریستی انجام داده‌اند؟ بنابراین، به دلایلی قاعده خطر مضاعف مانعی قابل ملاحظه برای همکاری‌های کیفری بین‌المللی قلمداد نمی‌شود؛ نخست، قاعده خطر مضاعف گستره محدودی دارد و به‌طور معمول تنها در یک نظام حقوقی اجرا می‌شود. به‌علاوه، حقوق بین‌الملل ایجاب نمی‌کند که دولت‌ها آثار یک حکم خارجی را تشخیص دهند. دوم، این اصل برای محافظت از حقوق هر شخص به تفکیک عمل می‌کند. سوم، این قاعده تنها در صورتی ایجاد می‌شود که دادرسی بعدی به‌طور واقعی راجع به همان اقدام از حیث مادی و حقوقی باشد. با این حال، دادرسی قضایی تأثیر قاعده خطر مضاعف در همکاری‌های کیفری بین‌المللی را مورد تأیید قرار می‌دهد (Saul, 2017: 14). در این رابطه می‌توان به حادثه هواپیماربابی خطوط هواپیمایی مصر (مصرایر) طی سال ۱۹۸۵ اشاره داشت که با اقدام‌های آمریکا علیه «عمر محمد علی رضاق»^۱ با تابعیت فلسطین و متولد سال ۱۹۶۳ در لبنان، به‌عنوان تنها هواپیماربابی بازمانده در پرواز شماره ۶۴۸، خلبان مجبور شد در «فرودگاه لوقا»^۲ در کشور مالت فرود آید.

طی این حادثه، پنج نفر مسافر شامل سه آمریکایی و دو اسرائیلی مورد اصابت گلوله قرار گرفتند که سه نفر از آن‌ها زنده ماندند. از این‌رو، دادگاهی در مالت، وی را به اتهام‌هایی نظیر اقدام به قتل و گروگانگیری محکوم کرد که پس از گذراندن هفت سال از بیست‌وپنج سال حبس خود، در ۲۰ آوریل ۱۹۸۹ آزاد شد و با نام مستعار به «آکرا»^۳ در غنا رفت و از آنجا به درخواست افسر امنیت منطقه‌ای سفارت آمریکا به نام «جرالد بارنز»^۴ توسط دولت

1. Omar Mohammed Ali Rezaq

2. Luqa Airport in Malta

3. Accra

4. Jerald H. Barnes

غنا بازداشت شد و تا ژوئیه ۱۹۹۳ در آنجا ماند. مقامات دولت غنا، رضاق را به آمریکا مسترد نکردند، اما به وی اظهار کردند که او قصد عزیمت به کشور نیجریه را دارد. رضاق ژوئیه ۱۹۹۳ به «لاگوس»^۱ در نیجریه عزیمت کرد که پس از ورود به لاگوس توسط «خدمات امنیتی دیپلماتیک ایالات متحده»^۲ دستگیر و به آمریکا منتقل شد. بازداشت رضا در نتیجه توافق میان دولت‌های آمریکا و نیجریه صورت پذیرفت. از این‌رو، در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶، وی پس از یک ماه محاکمه در واشینگتن، به اتهام یک فقره دزدی دریایی هوایی با تأیید هیئت منصفه به حبس ابد محکوم شد که بر خلاف «قانون مبارزه با هواپیماربایی ایالات متحده» است. قاضی رسیدگی‌کننده منطقه‌ای «رویسی لمبرت»^۳ توصیه کرد که هرگونه درخواست آزادی مشروط پس از ۱۰ سال رد شود.

البته یکی از مسائلی که در جریان دادرسی استیناف مطرح شد این‌که «آیا بند دوم از ماده ۴ کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما (کنوانسیون لاهه)، مصوب ۱۹۷۰، شرط تعقیب یا استرداد مجرم را مورد پذیرش قرار می‌دهد؟» که از پیگردهای بعدی برای همان رفتار در نظام‌های قانونی جداگانه پیشگیری کند. در پاسخ باید اذعان شود که وکیل مدافع اظهار داشت این دو گزینه به‌طور کامل منحصر به فرد و محافظت‌شده در برابر خطر مضاعف هستند. بنابراین، دادگاه تجدیدنظر ایالات متحد برای ناحیه کلمبیا موافقت خود را اعلام نکرد.^۴ از این‌رو، قرائتی که تحت آن گزینه‌های پیگرد قانون و استرداد به‌طور متقابل، منفی است، می‌تواند هدف کنوانسیون را برای اطمینان از مجازات مجرم تضعیف کند. بر این اساس، ساختار حقوقی مقرر در کنوانسیون لاهه موجباتی به‌عنوان مانع ویژه برای پیگرد قانونی ندارد. به‌علاوه، مذاکره‌کنندگان در کنوانسیون لاهه احتمال

1. Lagos

2. United States Diplomatic Security Service (DSS or DS)

3. Royce C. Lamberth

4. United States Court of Appeals for the District of Columbia Circuit, 1998: paras. 20-21.

ممنوعیت صریح پیگرد قانونی از طریق قاعده خطر مضاعف را مورد مذاقه قرار داده و در نهایت نپذیرفتند. با وجود این، می‌توان نتیجه گرفت که قاعده خطر مضاعف محتمل است، که به‌طور قابل توجهی پیگرد قانونی ترکیب میان جرایم تروریستی و سازمان‌یافته را با چالش جدی مواجه نمی‌کند.

به‌هر روی، وفق قاعده خطر مضاعف شخص تنها برای رفتاری استرداد می‌شود که رفتار مزبور در دولت‌های مبدأ و مقصد استرداد، جرم‌انگاری شده باشد. این در حالی است که نمی‌توان هیچ انتظار و توقعی از دولتی که رفتار ارتكابی را جرم‌انگاری نکرده است و مفهوم حاکمیت را مورد تأکید قرار می‌دهد، تقاضای همکاری را ابراز کرد. لازم به‌ذکر است که دولت‌های هم‌سو با قاعده مزبور به‌ویژه دولت‌های اروپایی در شورای اتحادیه اروپا تایید مجرمیت مضاعف را لغو کرده‌اند که طی اجماع حاصل میان دولت‌های اروپایی جرایم نظیر شرکت در یک سازمان جنایی، تروریسم، قاچاق انسان، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان، قاچاق غیرقانونی اسلحه، مهمات و مواد منفجره، پول‌شویی عواید حاصل از جرم، جرم رایانه‌ای، جرم علیه محیط زیست، قتل (ایراد صدمه جسمانی سنگین)، تجارت غیرقانونی اعضای بدن و انسان، گروگانگیری، سرقت سازمان‌یافته یا مسلحانه، قاچاق غیرقانونی در کالاهای فرهنگی، قاچاق غیرقانونی مواد هسته‌ای یا رادیواکتیو، توقیف غیرقانونی هواپیماها، کشتی‌ها و خرابکاری‌ها، در این رابطه قابل ذکر است و سیاست حاکم برای مقابله با جرایم اخیرالذکر مقرر و به‌تصویب رسیده است. فراتر از این زمینه، دولت‌ها به‌طور معمول به قاعده خطر مضاعف ملزم هستند، مگر اینکه اجازه استرداد بدون معاهده را صادر کنند و با صراحت از این شرط صرف‌نظر کنند. اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی یا جرایم سازمان‌یافته به‌طور تقریبی با تعاریف دقیق جرایم آغاز می‌شود و به دولت‌های طرف مکلف می‌شود که این تعاریف را در قوانین خود وارد کنند. چنین هماهنگی مقررده‌های کیفری ماهوی هم‌چنین با اطمینان از تحقق شرط

کیفری مضاعف، همکاری بین‌المللی را تسهیل می‌کند.^۱ لازم به ذکر است دادگاه اروپایی حقوق بشر برای چندین دهه و از طریق بیش از چهارصد پرونده، یک مجموعه حقوقی واضح، یکپارچه و مفصل در مورد پاسخ به جرایم تروریستی از منظر حقوق بشر و حاکمیت قانون ارائه کرده است. با این حال، تحولات حقوقی راجع به اصل عدم استرداد به موجب ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بیانگر رابطه چالش‌برانگیز میان حفاظت از پناهندگان و سازوکارهای ضد جرایم تروریستی است. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های گوناگونی صورت پذیرفت تا دادگاه حقوق بشر اروپا تفسیر خود از ماده ۳ را به عنوان ایجاد حمایت مطلق در قبال استردادشدگان اصلاح کند. بر این اساس، پاسخ دادگاه وفق اصول اساسی حفاظت ارائه شد تا چالش‌هایی نظیر کنترل جابه‌جایی و اخراج ایمن افراد که با مخاطراتی مواجه بود، به نحو مطلوبی انجام گیرد. در ضمن، می‌توان به اسنادی نظیر «کنوانسیون اروپایی

۱. در این رابطه می‌توان به اقدام «دادگاه عالی صلاحیت ایتالیا» (Italian Supreme Court of Cassation) در خصوص یک تبعه برزیلی با نام مستعار "TGG" مسئله استرداد وی را با طرح پرسشی مورد سنجش قرار داد که «با توجه به عدم ارتکاب کامل جرم از سوی تبعه برزیلی مطابق مقررات داخلی ایتالیا و متواری شدن وی به برزیل، آیا استرداد شخص متواری شده وفق معاهده استرداد دوجانبه مجاز است؟»، اشاره کرد. لازم به ذکر است تبعه برزیلی متهم به جرایمی نظیر توطئه جنایی و قاچاق اعضای بدن انسان است که طی فرایند و تشریفات دادرسی کیفری از سوی دادگاه عالی صلاحیت ایتالیا به یازده سال و ۹ ماه حبس محکوم شد. وی موفق شد به برزیل فرار کند و متعاقب آن دولت برزیل دستور بازداشت بین‌المللی علیه او صادر کرد. این در حالی است که وی در ششم ژوئن ۲۰۱۳ در ایتالیا دستگیر و زندانی شد. در طی مراحل استرداد، دادگاه تجدیدنظر تأیید کرد که درخواست مقامات برزیلی با شرایط مقرر در معاهده استرداد دوجانبه میان ایتالیا و برزیل مطابقت دارد و در نتیجه تحقق شرط کیفری دوگانه انجام شده است. "TGG" پس از صدور فرجام‌خواهی از رأی صادره توسط دیوان عالی کشور مدعی شد که شرط خطر مضاعف برای جرم قاچاق اعضای بدن انسان احراز و تأیید نشده است؛ زیرا این قانون توسط نظام حقوقی ایتالیا مقرر نشده است و پیشتر به جرم توطئه جنایی، در برزیل ضمن محکومیت به حبس، مدت مقرر را نیز گذرانده است. دادگاه عالی تجدیدنظر با دادگاه تجدیدنظر موافقت کرد که شرط خطر مضاعف محقق شده است و نیازی به هم‌پوشانی کامل و دقیق بین جرایم موجود در دو نظام حقوقی نیست؛

Italian Supreme Court of Cassation (2014), "Final Appeal Judgment", TGG, Case No. 30087/2014, ILDC 2215 (IT 2014), 9 July.

سرکوب تروریسم مصوب ۱۹۷۷» و «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم (۱۹۷۷)» و پروتکل اصلاحی آن (۲۰۰۳)»، اشاره داشت. این در حالی است که راجع به موضوع استرداد می‌توان «کنوانسیون اروپایی راجع به استرداد، مصوب ۱۹۷۸» را ذکر کرد (ر.ک: مختاری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱).

با این همه، همکاری‌های بین‌المللی در اجرای موازین کیفری مشتمل بر اقدام‌های قابل ملاحظه‌ای در اجرای سیاست‌های حقوقی متقابل است که هدف غایی آن دسترسی به شواهد کیفری در دیگر کشورهاست. کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی، به‌ویژه ماده ۱۰ «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، مصوب ۱۹۹۷» به‌طور معمول مشتمل بر مقرره‌هایی است که به دولت‌های عضو این اختیار را می‌دهند که در خصوص تحقیقات یا فرایند دادرسی‌های کیفری بیشترین همکاری را با یک‌دیگر نظیر تحصیل اسناد و مدارک برای استناددهی در فرایند دادرسی، ملحوظ دارند.

نتیجه‌گیری

آنچه امروز نظام جهانی را با مخاطرات و ناامنی مواجه ساخته است، عدم اجماع دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های دوگانه در مبارزه با جرایم تروریستی و به تبع آن حمایت از نقض صلح و امنیت بین‌المللی در ابعاد خرد و کلان می‌باشد. با وجود این، نیاز آشکاری به چهارچوب‌های مستحکم حقوق داخلی و بین‌المللی برای مبارزه با جرایم تروریستی در همه اشکال و مظاهر، از جمله جرایم تروریستی داخلی برآورد می‌شود.

البته لازم به ذکر است که تعهد اصلی مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی، گنجاندن جرایم مقرر در معاهده مورد نظر حقوق کیفری داخلی و مجازات‌پذیر کردن آنها به وسیله احکامی است که شدت جرم را منعکس می‌کنند. دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مزبور نیز توافق کرده‌اند در ایجاد «صلاحیت قضایی جهانی» در خصوص این جرایم مشارکت داشته باشند؛ یعنی اخذ اقدام‌های لازم برای ارائه صلاحیت قضایی بسیار گسترده به محاکم در خصوص جرایم مورد بحث شامل صلاحیت قضایی مبتنی بر درون مرزی بودن، صلاحیت قضایی مبتنی بر ملیت مجرم و بزه‌دیدگان و مطابق مفاد اغلب کنوانسیون‌ها، صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض فرد مظنون در قلمرو کشور را شامل می‌شود.^۱ علاوه بر این، آنها تعهد نسبت به استرداد مجرمان تروریستی را که در قلمرو سرزمینی کشور متبوع خود حضور دارد یا نسبت به شروع جلسه‌های دادرسی کیفری علیه

۱. ر.ک: ماده ۴ کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما؛ ماده ۵ کنوانسیون راجع به سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری و ماده ۳ پروتکل سرکوب اقدام‌های غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری؛ ماده ۳ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛ ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری؛ مواد ۸(۱) و ۸(۲) کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای؛ ماده ۶ کنوانسیون سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی کشتیرانی دریایی و ماده ۳ پروتکل سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی سکوها ثابت مستقر در فلات قاره؛ ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم.

آنها را پذیرفته‌اند.^۱

تقویت همبستگی و انسجام در نظام بین‌المللی در قبال اقدام‌های تروریستی و نیز تعهد مقابله با آن در فرایند رعایت قواعد حقوق بشر با تأکید بر تعقیب بازبگراان غیردولتی در این عرصه از مهمترین چشم‌اندازهای همکاری‌های میان دولت‌ها به‌شمار می‌آیند. اتخاذ سازوکارهای اصولی و به‌کارگیری حداکثر تشریک‌مساعی در میان دولت‌ها با هم و سازمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه با اقدام‌های تروریستی امری انکارناپذیر است. البته تداوم و توسعه چنین سازوکاری در قالب تدوین، تصویب و اجرای صحیح مقررات امکان‌پذیر خواهد بود.

به‌هر روی می‌توان در قبال جرایم تروریستی سازوکارهای نظیر ترویج حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر، و نظام‌های کارآمد عدالت کیفری؛ ترویج آموزش برابری و تساوی فرهنگی و مذهبی؛ مبارزه با تأمین مالی تروریسم؛ تضمین امنیت حمل و نقل؛ مهارکردن قدرت اینترنت؛ اصلاح حفاظت از اهداف آسیب‌پذیر و زیرساخت‌های حساس و راهبردی را در خط مقدم مقابله برای حفاظت از امنیت سرزمینی و بین‌المللی و صلح عادلانه اجرایی ساخت.

توسعه و تقویت ظرفیت دولت‌ها برای پیشگیری از دسترسی تروریست‌ها به استحصال مواد هسته‌ای، بیولوژیک، شیمیایی یا رادیولوژیک.

در هر حال، جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی از طریق درج در اساسنامه دیوان کیفری

۱. ر.ک: ماده ۷ کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما؛ ماده ۷ کنوانسیون راجع به سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری؛ ماده ۷ کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛ ماده ۸(۱) کنوانسیون بین‌المللی علیه گروه‌گنجیری؛ ماده ۱۰ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای؛ ماده ۱۰(۱) کنوانسیون سرکوب اقدام‌های غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی و ماده ۴ پروتکل سرکوب اقدام‌های غیرقانونی علیه ایمنی سکوه‌های ثابت مستقر در فلات قاره؛ ماده ۸(۱) کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و ماده ۱۰(۱) کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم.

بین‌المللی، می‌تواند تا حدودی از گسترش جرایم تروریستی ممانعت به عمل آورد. البته، تحقق این امر مستلزم وجود سازوکارهای مؤثر و کارآمد در نظام بین‌الملل و رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل در واکنش کیفری با همکاری دولت‌ها، در مواجهه با جرایم تروریستی است.



منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- آتنف، رنالد (۱۳۸۳)، «رہیافت جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تحقیقات حقوقی*، ۷(۳۹): ۳۱۹-۳۴۱.
- اطاعت، جواد و علی‌اکبر دبیری (۱۳۹۵)، *تروریسم؛ ابعاد مکانی و بازتاب‌های جهانی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- فرهادنیا، سعید و سیدعلی هنجنی (۱۳۹۸)، «چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مبارزه با تروریسم»، *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۸(۴۰): ۷-۲۹.
- فضائی، مصطفی (۱۴۰۲)، «رابطه میان تروریسم و مخاصمات مسلحانه؛ با نگاهی به وضعیت افغانستان»، *تحقیقات حقوقی*، ۲۶(۱۰۲): ۱۱۳-۱۴۲.
- روبو، دیدیه (۱۳۹۹)، *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه بهزاد رضوی فرد و محمد فرجی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- کفایی فر، محمدعلی و محمد تیموری (۱۴۰۱)، «تحولات حقوق بشر و بشردوستانه ناشی از تأثیر چندپارگی حقوق بین‌الملل بر مفهوم تروریسم»، *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳(۲): ۸۳۱-۸۵۱.
- کهندانی، محسن و رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۹)، «تضمین‌های حقوق شهروندی متهمان جرایم تروریستی در مرحله تحقیقات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و مصر»، *تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۳(۷): ۱۵۷-۱۸۷.
- مبینی کشه، زهرا و علی امیدي (۱۳۹۸)، «موج چهارم تروریسم و روندهای آینده تروریسم بین‌الملل»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۷(۲): ۲۳۹-۲۶۴.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۸)، *ابعاد حقوقی جرم‌شناختی تروریسم*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- مختاری، حسن، امینی‌نیا، عاطفه و عطاشنه، منصور (۱۴۰۳)، «اخلاق و حقوق بشر در مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۹(۷): ۱-۷.
- ممتاز، جمشید (۱۴۰۰)، «اقدامات دبیرکل سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم»، *مجموعه مقالات همایش نقش دبیرخانه و دبیرکل در تحقق اهداف منشور ملل متحد*، تهران: بنیاد حقوقی میزان با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، «جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی»، *دیباچه در: جرم‌شناسی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

الف- منابع خارجی

- Adibe, Emeka C. (2020), "Towards a New Approach to Dealing with Terrorism as an International Crime", *Journal of Law and Conflict Resolution*, Vol. 11, No. 2. <https://academicjournals.org/journal/JLCR/article-Abstract/894F78A65734>
- Braber, Inez (2017), "Terrorism as a New Generation Transnational Crime: Prosecuting Terrorism at the International Criminal Court", in: *Legal Responses to Transnational and International Crimes Towards an Integrative Approach*, Edited by Harmen Van Der Wilt and Christophe Paulussen, Edward Elgar Publishing, T.M.C. Asser Instituut, the Netherlands.
- Cherniadyeva, N. A. (2020) "Trends of Development of International Legal Fight Against Terrorism", *Moscow Journal of International Law*, 3, pp- 61-78. https://www.researchgate.net/publication/340121779_Trends_of_development_of_international_legal_fight_against_terrorism
- Kleczkowska, Agata (2019), "Why There Is a Need for an International Organ to Try the Crime of Terrorism - Past Experiences and Future Opportunities", *Hungarian Journal of Legal Studies*, Vol. 60, Issue 1.
- Margariti, Stella (2018), "Defining International Terrorism to Protect Human Rights in the Context of Counter-Terrorism", *Security and Human Rights (Brill)*, No. 29.
- Noorda, Hadassa (2017), "Criminal Law Reform as a Response to Terrorist Threats", *Theorizing Criminal Law Reform Conference*, April 21-22, Rutgers Law School. <https://law.rutgers.edu/sites/law/files/attachments/Noorda%20-%20Criminal%20Law%20Reform%20as%20a%20Response%20to%20Terrorist%20Threats.pdf>
- Saul, Ben (2017), "The Legal Relationship Between Terrorism and Transnational Crime", *International Criminal Law Review*, Vol. 17, No. 3. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?Abstract_id=2962832
- Rausch, Cassandra Christina (2015), "Fundamentalism and Terrorism", *Journal of Terrorism Research*, Vol. 6, No. 2. <https://doaj.org/article/758cd2753707434bacbe0d3afd57587f>
- Roele, Isobel (2022), "Style Management: Images of Global Counter-Terrorism at the

United Nations”, *Law and Critique*, 33 : 273-297.

Van Der Wil, Harmen and Christophe Paulussen(2017), *Legal Responses to Transnational and International Crimes Towards an Integrative Approach*, Edward Elgar Publishing, T.M.C. Asser *Instituut*, the Netherlands. <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/legal-responses-to-transnational-and-international-crimes-9781786433985.html>

Van Der Wilt, Harmen, Christophe Paulussen(2019), “The Role of International Criminal Law in Responding to the Crime-Terror Nexus”, *European Journal of Criminology*, Vol. 16, issue 3.

https://www.researchgate.net/publication/331347112_The_role_of_international_criminal_law_in_responding_to_the_crime-terror_nexus.

